

An analysis of the Islamic Revolution and the Holy Defense Couplets in Alireza Ghazveh, Soheil Mahmoudi, and Akbar Behdarvand's Poems

Masoud Pakdel^{1*}

*Assistant Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Ramhormoz Branch,
Ramhormoz, Iran*

Hatam Saidimehr²

*PhD Student of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Ramhormoz Branch,
Ramhormoz, Iran*

(Received:12/08/2020 ; Accepted:29/12/2020)

Abstract

Alireza Ghazveh, Soheil Mahmoudi, and Akbar Behdarvand are three of the most prominent couplet poetry figures in the Modern Poetry. They tend to use couplets as a way of expressing their poetical sentiments toward Martyrs, war captives, separation from beloved ones, and internal state. In this Article, themes of the Islamic Revolution couplets, as one of the most frequent poetry styles in this era, will be analyzed with an analytical point of view considering all the aspects including structure and content. With the onset of the imposed war against Iran, couplet was one of the first styles used by these poets as a way of versifying and composing their inner voice and reflecting the love and enthusiasm and epic battles of the soldiers, as well as the war incidents. This was the period that couplets were at the peak of their popularity and after the "holy defense" period, it started to fade out, and less successful couplets were composed and this could be seen more often in younger generation poets.

Keyword: *Alireza Ghazveh, Soheil Mahmoudi, Akbar Behdarvand, Islamic Revolution, Holy Defense, couplet.*

1 . *Corresponding Author: masoudpakdel@yahoo.com

2 . hsydymhr@gmail.com

DOR: 20.1001.1.26453800.1400.5.8.11.5

بررسی و تحلیل دوبیتی‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در شعر علیرضا قزوه، سهیل محمودی و اکبر بهداروند

مسعود پاکدل^{۱*}

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز ایران

حاتم سعیدیمهر^۲

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۹)

صفحات: ۱۸۵ - ۱۶۷

چکیده

علیرضا قزوه، سهیل محمودی و اکبر بهداروند از شاعران دوبیتی‌سرا و از چهره‌های برجسته معاصر هستند که برای بیان احساسات و عواطف شاعرانه خود نسبت به شهیدان، اسرا، جدایی از عزیزان و توصیف حالات درونی و... قالب دوبیتی را برگزیده‌اند. در این جستار مضامین دوبیتی‌های انقلاب اسلامی در شعر شاعران مذکور، به عنوان یکی از پربسامدترین قالب‌های شعر این دوران با نگاهی تحلیلی از جنبه‌های ساختاری و محتوایی بررسی شده است. با شروع جنگ تحمیلی دوبیتی جزء نخستین قالب‌هایی بوده است که این شاعران به وسیله آن به سرودن و زمزمه نجوای درونی خود و انعکاس صحنه‌های عشق، شور و حماسه رزمندگان و حوادث جنگ پرداخته‌اند. دوره درخشش دوبیتی‌های انقلاب اسلامی نیز همین زمان بوده، بعد از دوران دفاع مقدس تقریباً رو به افول نهاده است. پس از اتمام جنگ دوبیتی‌سرایی یا به تعبیری دوبیتی‌های موفق کم‌تری سروده شده که آن هم در شعر شاعران جوان‌تر، نمود یافته است.

کلمات کلیدی: علیرضا قزوه، سهیل محمودی، اکبر بهداروند، شعر انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، دوبیتی.

۱. * نویسنده مسئول: masoudpakdel@yahoo.com

۲. hsydymhr@gmail.com

۱- مقدمه

شاید مردمی ترین قالب شعر فارسی امروز را بتوان دوبیتی نامید. این قالب خوش آهنگ و کوتاه هم‌خوان و مأنوس با احساسات زلال همگان است. انتشار این قالب در زبان و فرهنگ مردم، به دلیل کوتاهی و مضامین لطیف، زیبا، مردم‌پسندانه، وجود ضریب آهنگ‌ها در آن و پیام صمیمی و ساده آن است. دوبیتی از کوتاه‌ترین و موجزترین قالب‌های شعر فارسی است که بیشترین مضامین آن در عرصه‌های حکمت، عرفان و اندیشه‌های والای انسانی تحقق یافته است.

کمتر قالبی همچون دوبیتی در لحظه‌های خلوت و تنهایی و اندوهناکی هر فرد شهری و روستایی استفاده شده است؛ ترانه‌های باباطاهر و سروده‌های فایز دشتستانی را هم بر زبان چوپانان، هم بر زبان ناخدایان، هم در جاده‌های طولانی، زینت‌بخش خودروها و هم در محافل رسمی می‌توان یافت و گویی هرکسی در لحظه‌های صمیمی ناگزیر از مراجعه به دوبیتی است.

دوبیتی را در جنوب ایران، «شروه» می‌خوانند. دوبیتی ساده بر دل می‌نشیند و ساده بر زبان زمزمه می‌شود. این میراث عظیم که بی‌شک پیش از شعر رسمی و سنتی فارسی باید به جست‌وجوی پرده‌ها، بیشتر همدم خلوت کوهساران و دشت‌های سبز و افق‌های باز است. بزرگ‌ترین دوبیتی‌سرا، باباطاهر در کوه می‌زیسته و فایز دشتستانی همسایه دریاست.

دوبیتی‌های دوره انقلاب اسلامی اندکی بعد از شروع دفاع مقدس احیا شد و دلیل آن نیز این بود که وزن آرام دوبیتی، مناسب حماسه نیست و با درونی شدن جنگ و بروز مسائل عاطفی آن، کاربرد وسیعی پیدا کرد.

با این وصف مخاطب سراینده دوبیتی در دوره انقلاب اسلامی توقع بسیار بالایی خواهد داشت و هر دوبیتی را در دوره خود به سادگی نخواهد پذیرفت. مگر شاعران سعی کنند تحول اساسی و اصولی منطبق بر اوضاع و احوال مردم این زمان در ساختار و کلام دوبیتی خود ایجاد کنند، در غیر این صورت با اقبال مواجه نخواهند شد.

قالب دوبیتی به دلیل کوتاه بودنش ظرف مناسبی برای بیان تفصیلی و ارائه موضوعات گوناگون نیست، بلکه شاعر سعی می‌کند محتوای غنی و در عین حال عمیق و تأثیرگذار را با تصویرهایی کوتاه و چند بعدی در ظرفی بریزد که گنجایش چندانی ندارد. شاید به جرئت بتوان گفت که قالب دوبیتی در دوره قبل از انقلاب اسلامی برای مدت زمان طولانی به سبب شرایط اجتماعی و نوع گرایش خاص شاعران به قالب‌های دیگر، تقریباً به دست فراموشی سپرده شده بود، ولی همزمان با تولد انقلاب اسلامی روح تازه‌ای در آن دمیده شد و دوباره شکوفا گردید.

مطالعه و جست‌وجو در دوبیتی‌ها نشان می‌دهد که این قالب، بیشتر حاوی مضامین غنایی از قبیل عشق، عرفان، دوستی، جدایی و داغ دل است. ترانه‌هایی با آن همه صمیمیت و روانی، گرمی، لطف و صفا که لبریز از عشقی پاک و معصوم است و گاهی آن چنان بر دل می‌نشیند که هر خواننده با ذوقی آرزو می‌کند که کاش خود سراینده آن‌ها باشد.

اگر در دوبیتی سخن تلخ و ناخوشایندی بیان شود، به دلیل سادگی و صمیمیتی که در آن است، آن‌قدر نرم و ظریف بیان می‌شود که تلخی آن لذت‌بخش و دل‌چسب می‌شود و در مواردی دیده می‌شود که بعضی از ترانه‌ها عیب قافیه هم دارند، ولی همچنان اثرگذارند و به دل می‌نشینند؛ چرا که این لغزش‌های شعری با صداقت و صمیمیت شاعر کم‌تأثیر می‌شوند و این گونه به نظر می‌رسد که او احساسات خود را در بند قافیه قرار نداده است و به تعبیر مولانا «قافیه و مفعله را گو همه سیلاب ببر».

این مقاله با عنوان «بررسی و تحلیل مضامین دوبیتی در شعر دفاع مقدس علیرضا قزوه، سهیل محمودی و اکبر بهداروند»

دوبیتی‌های این شاعران را از منظر ساختاری، محتوایی و موسیقایی بررسی و تحلیل می‌کند.

۱-۱. بیان مسأله و هدف پژوهش

شعر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بستر مناسبی است تا از رهگذر آن بتوان ویژگی‌های اجتماعی جامعه ایران اسلامی را از دید این سه شاعر بازنمایی کرد و اصولاً آثار نظم و نثر در هر دوره‌ای بیانگر بسیاری از مسائلی است که در جامعه به وقوع می‌پیوندد. حوادث خوب یا ناگوار که در زبان، فرهنگ و آداب و رسوم جوامع مؤثر است، به‌یقین در این آثار انعکاس یافته است بنابراین تحلیل و بررسی این آثار که احساسات و سطح فکر جامعه را نشان می‌دهد، لازم و ضروری است. هدف این جستار آشنایی با مضامین دوبیتی‌های این سه شاعر است.

۲-۱. پیشینه تحقیق

درباره موضوع این مقاله تحقیق جامع و فراگیر صورت نگرفته است، اما در بررسی‌هایی که در کتاب‌ها و مقالات شعر دوران انقلاب اسلامی انجام گرفته است، به‌صورت گذرا به این قالب، نظری افکنده شده و تنها در بعضی از مقالات به‌طور گذرا یا نظرگاه‌هایی کوتاه در ضمن بحث از شعر دفاع مقدس، درباره دوبیتی مطرح شده است؛ مثلاً سنگری، محمدرضا (۱۳۸۰) در کتابی با عنوان «نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس» که ویژگی‌های کلی دفاع مقدس را تحلیل کرده است و بسیار کوتاه درباره دوبیتی‌های انقلاب اسلامی و شاعران این قالب اشاراتی نموده است. همچنین ندیم، مصطفی (۱۳۸۲) در کتابی با عنوان «مضمون شهید و شهادت در ادبیات فارسی» که به تحلیل و بررسی شهید و شهادت در شعر انقلاب اسلامی و قالب‌های رایج در این دوره پرداخته است.

۲. شعر انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی تحول بزرگی در جامعه بوده و هست و حوادث و لحظه‌های آن به دنیای شعر راه می‌یابند. وقوع حادثه‌های بزرگ و فراز و نشیب‌هایی که با حیات و مرگ انقلاب پیوند داشت نمی‌توانست بر سروده‌ها و احساس شاعران بی‌تأثیر باشد؛ مگر می‌شود کسی در زیر آفتاب، گرمی نپذیرد و یا در گذرگاه نسیم بنشیند و بوی خوش گل‌های آشنا را احساس نکند به‌خصوص اگر شاعر باشد که شاعران را شاخک حساس جامعه نامیده‌اند.

شاعران درون‌مایه و محتوای شعر خویش را از تجربیات درونی و عوامل بیرونی می‌یابند و به توانمندی خویش آن را می‌پروراند و عرضه می‌کنند. اگر شاعر احساس‌های گوناگون و گاه متناقض دارد؛ طبیعی است که در تحولات ژرف و بنیادین و ساختار کلی شعر و حتی در واژگان و اوزانی که با جوشش‌های شعری او هم‌زمانند، تفاوت و تحول احساس شود.

شعر انقلاب اسلامی پاره‌ای از وجود انقلاب اسلامی و میوه آن است و باید متناسب با تحولات سریع جامعه، بررسی و مطالعه گردد.

۳. شعر دفاع مقدس

سنگری در تعریف ادبیات دفاع مقدس می‌نویسد: به مجموعه نوشته‌ها و سروده‌هایی گفته می‌شود که درون‌مایه و موضوع

آن‌ها، به مسائل هشت سال دفاع مقدس و پیامدها و تبعات آن باز می‌گردد. (سنگری، ۱۳۸۰: ۳ و ۱۵)

البته با نگاهی وسیع، حوزه تعریف ادبیات دفاع مقدس با توجه به ویژگی «مقدس بودن» گسترده‌تر است صاحب‌نظران معاصر اعتقاد دارند که دیگر سروده‌هایی که به ایستادگی در مقابل کشش‌های سقوط‌آفرین روحی و معنوی دعوت می‌کنند نیز در حوزه این نوع شعر است و اشعار فردوسی، ناصر خسرو، سعدی، مولانا و دیگر شاعران و آثار گران‌سنگ مثنوی فارسی چون سیاست‌نامه، کلیله و دمنه، کیمیای سعادت، مرزبان‌نامه و... در این بخش قرار می‌گیرند همچنین سروده‌ها و نوشته‌هایی که ما را به دفاع در مقابل ستمگران برمی‌انگیزانند یا تصویری از بیداد زمان ترسیم می‌کنند؛ مثل برخی سروده‌های نسیم شمال، ملکه‌الشعرا بهار، عارف و فرخی یزدی را می‌توان در سبک این گونه اشعار قرار داد همچنین سروده‌ها و نوشته‌هایی که با تکیه بر اندیشه دینی، تصویری از بیدادها و جنایات جهانی را ترسیم می‌کنند. مسائل جهانی مانند فلسطین، ویتنام، آفریقای جنوبی، کوبا، شیلی، بوسنی و افغانستان و... شاعران را برمی‌انگیخت تا برای مظلومیت مردم یا فداکاری مبارزان، شعر، مقاله و یا نمایشنامه و فیلم‌نامه بنویسند.

معمولاً اطلاق عنوان «دفاع مقدس» شامل سروده‌ها و نوشته‌هایی است که به هشت سال جنگ تحمیلی و پیامدهای آن می‌پردازد و برای پرهیز از اختلاط حوزه‌ها، اختصاص عنوان «دفاع مقدس» به همین سروده‌ها و نوشته‌ها پذیرفته است.

۴. نگاهی گذرا به دوبیتی

دوبیتی در اصطلاح، شعری است مرکب از دو بیت بر وزن مفاعیلین، مفاعیلین، فعولن که مصراع‌های اول و دوم و چهارم آن با هم هم‌قافیه هستند. در بعضی دوبیتی‌ها تمام مصراع‌ها با هم هم‌قافیه‌اند. به دوبیتی، «فهلوی» هم می‌گویند.

دوبیتی یکی از خوش‌آهنگ‌ترین قالب‌های شعر فارسی است که بسیاری از شعرا به آن توجه داشته‌اند. همزمان با انقلاب این قالب نیز دگرگون شد و حیاتی دوباره یافت. از عمده‌ترین شاعرانی که در تجدید حیات این قالب پیشگام بودند، می‌توان به قیصر امین‌پور، سهیل محمودی و علیرضا قزوه اشاره کرد. این شاعران تحولاتی در زبان و درون‌مایه قالب دوبیتی ایجاد کردند و حیاتی تازه به آن بخشیدند.

سرایندگان دوبیتی اکثراً از عامه مردم بوده‌اند و شعرهای خود را به لهجه‌های محلی سروده‌اند. به همین دلیل، این نوع شعر ساده و روان است و گاهی از قوانین عروضی پیروی نمی‌کند.

در عصر انقلاب و همزمان با اوج‌گیری قالب دوبیتی، عده زیادی از شاعران جوان در این قالب به طبع آزمایی پرداختند. دوبیتی‌های دوره انقلاب اسلامی مانند سایر قالب‌ها حاوی مضامین مختلفی از قبیل عشق، عرفان، بیان دلتنگی‌ها از زبان آزادگان در غربت و سوگ سروده برای شهدا یا چهره‌های مقدس اسلام مانند امام حسین (ع) و ابوالفضل عباس (ع) و... است که از نظر ژرف‌ساخت تفاوت زیادی با دوبیتی‌های گذشته ندارد.

بسیاری از دوبیتی‌سرایان انقلاب اسلامی، موضوعاتی از قبیل عشق و دلتنگی را که در دوبیتی‌های گذشته رایج بوده است، به زبان امروزی بیان کرده‌اند مانند نمونه زیر از قیصر امین‌پور:

«نه از مهر و نه از کین می‌نویسم / نه از کفر و نه از دین می‌نویسم / دلم خون است می‌دانی برادر / دلم

خون است از این می‌نویسم» (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۱۶۵)

در دوره انقلاب اسلامی بیشتر شاعرانی که دوبیتی می‌سرودند در رباعی‌سرایي نیز شهرت داشتند؛ یعنی رباعی و دوبیتی با

هم احیا شدند و رشد کردند و با هم دوره درخشان خود را پشت سر گذاشتند.

شاعران دوبیتی‌سرای گذشته - به جز یک یا دو نفر - اغلب شاعران مشهوری نبودند یا دست کم در قالب‌های مختلف آثاری ندارند، اما در دوره انقلاب، بیشتر دوبیتی‌سرایان از نام‌آوران زمان خویشاند همچون قیصر امین‌پور، سلمان هراتی، علیرضا قزوه و محمدرضا سهرابی‌نژاد.

قالب دوبیتی از دوره قبل از اسلام به ما رسیده است و شعرهایی به زبان پهلوی در این قالب سروده شده است. در روستاها و شهرهای پرشمار ایران دوبیتی، جدا از تعریف‌های عروضی و بدیعی مشخص خود، نام‌های گوناگون دارد. مانند: دوبیتی، چهارخانه، چهارگانی، بیت، کله فریاد، ستیک، شروه، فراقی، عاشقی و ده‌ها نام دیگر (پناهی، ۱۳۷۹: ۱۶).

زبان دوبیتی، زبانی نرم و لطیف و مردم‌پسند است و محتوای بیشتر دوبیتی‌های سنتی، عشق‌ها و آرزوها، شکایت از غم دنیا و گاهی پند و اندرز است.

دوبیتی‌سرایان مشهور؛ بندار رازی، بابا طاهر همدانی، نجمای شیرازی و فائز دشتستانی هستند که همه در دوبیتی دستی دارند و در قالب‌های دیگر شعری این دوره نیز آثار خوبی دارند.

دوبیتی از نظر قافیه و تعداد ابیات شبیه رباعی است، اما از نظر محتوا و وزن تفاوت‌های زیادی با هم دارند. وزن رباعی برای مضمون‌های حماسی و بدیهه‌گویی مناسب‌تر است به همین دلیل کمتر به دوبیتی بر می‌خوریم که مضامین حماسی داشته باشند.

محمداحمد پناهی (سمنانی) مؤلف کتاب «دوبیتی‌های بومی‌سرایان ایران» درباره تفاوت رباعی و دوبیتی می‌نویسد:

«اما در نزد قدما، ترانه، عنوان کلی بوده است برای دوبیتی، ترانه، بیت و رباعی. ترانه اگر با وزن مفاعیلین مفاعیلین مفاعیل (یا فعولن) ساخته می‌شده، دوبیتی و اگر وزن مفعول مفاعیلین مفاعیلین فاع (و ۲۴ زحاف مستخرج از آن) داشته است، رباعی بوده است. بدین ترتیب هر جا نام ترانه عنوان می‌شده است، دوبیتی یا رباعی منظور نظر بوده است (همان).

بعضی از محققان معاصر اعتقاد دارند وزن رباعی تکان‌دهنده‌تر و پرتنین‌تر است و به همین علت تأثیر بیشتری بر شنونده می‌گذارد. البته به نظر نمی‌آید این گونه باشد چون پرتنین بودن رباعی به دلیل چهار رکنی بودن آن است، اما به جرئت می‌توان گفت که هر چه شعر از نظر محتوا و مضمون، روانی و سادگی و پیوند با مخاطب بهتر باشد به همان اندازه هم تأثیر بیشتری بر او دارد و این ویژگی‌ها بیشتر در دوبیتی یافت می‌شود تا رباعی. همچنین دوبیتی، جایگاه و نفوذ شگفت‌انگیزی میان اقشار مختلف جامعه داشته است.

ترانه و همزاد آن رباعی، همه جا از بزم پادشاهان تا محافل روحانی صوفیان و خلوت غم‌انگیز تهی‌دستان و آوازهای آرزومندان شبانان، بر دل‌ها چنگ می‌انداخته و بر لب‌ها جاری می‌شده و آن گاه که با نغمه موسیقی همراه می‌شده است، تأثیری شگفت‌انگیز بر جای می‌نهاده است و شگفت آن که با وجود دگرگونی‌ها و ابداعات بسیار در صورت و محتوای شعر و جریان نیرومند تازه‌جویی در این قلمرو، هنوز بازار دوبیتی گرم و پررونق است.

مضامین دوبیتی‌های علیرضا قزوه، سهیل محمودی و اکبر بهداروند و شعر بیشتر شاعران انقلاب اسلامی بیشترین مضامین و محتوای خود را از هشت سال دفاع مقدس گرفته است هر چند حرکت توفنده مردم در روزهای اولیه انقلاب، شهادت‌طلبی و از خودگذشتگی‌ها، مضامین اصلی شعر شاعران را به خود اختصاص می‌داد، ولی یکی از محورهای اصلی شعر انقلاب

اسلامی شعر دفاع مقدس است و به جرئت می‌توان گفت محورهای اصلی و فرعی دیگر شعر انقلاب اسلامی حداقل در زمان جنگ تحمیلی، حول این محور عظیم و تأثیرگذار می‌چرخد و شاعران بیشترین تلاش خود را در طول هشت سال دفاع مقدس و حتی بعد از آن در اغلب قالب‌های شعری، به محور جنگ و دفاع مقدس معطوف کردند. با وجود این نمی‌توان تأثیر متقابل محورهای دیگر انقلاب را بر محور اصلی دفاع مقدس از نظر دور داشت پس اگر یک تقسیم‌بندی کلی از شعر انقلاب اسلامی داشته باشیم، محورهای اصلی و تأثیرگذار مضامین دوییتی‌های انقلاب اسلامی را در شعر این سه شاعر بررسی می‌کنیم:

۴-۱. شهید و شهادت

شهید و شهادت یکی از مضامین و بسترهای تعبیر و تصویر بدیع در شعر دفاع مقدس است و بخش بزرگی از دوییتی‌های انقلاب اسلامی و شعر دفاع مقدس را مضامین شهید و شهادت تشکیل می‌دهد که شاعران در توصیف شهید و شهادت، یاد شهدا، فراموشی شهدا، مرثیه‌ها، واگویی‌های مادران، تشییع شهدا و... سروده‌اند.

۴-۱-۱. توصیف شهید و شهادت

«لاله» از تعبیر سمبلیک شهادت است که شاعران انقلاب اسلامی در توصیف شهدا به کار برده‌اند. بهداروند در دوییتی «محن» شهید را «لاله» و «لاله آسا» تعبیر کرده که خزان جنگ این گل‌ها را غارت کرده، بنفشه نیز با تصویر استعاری زیبا به خاطر شهید جامه نیلی به تن کرده‌است:

محن

دل ما را گرفتار محن کرد	خزان غارت چو گل‌های چمن کرد
بنفشه جامه نیلی بتن کرد	بداغت لاله آسا باغ دل سوخت
(بهداروند، ۱۳۶۷: ۹۷)	

سهیل محمودی در دوییتی «شهادت» از اضافه‌های تشبیهی «دامن عشق»، «گلشن عشق» و «توسن عشق» و اضافه‌های استعاری «دست طلب» و «گام طرب» به زیبایی بهره برده است و برای رسیدن به عشق حقیقی، شهادت را چون اسب سرکشی می‌داند که به سرعت می‌تازد و سوار خود را به سرمنزل مقصود که همانا شهادت است، می‌رساند:

شهادت

بزن دست طلب بر دامن عشق	بزن گام طرب در گلشن عشق
دگر راهی نمانده تا شهادت	بزن پا بر رکاب توسن عشق
	(محمودی، ۱۳۶۴: ۸۱)

همچنین این شاعر در دوییتی «صبح بهاری» به زیبایی به توصیف شهادت پرداخته است. او شهادت را به «سکر یک صبح بهاری» تشبیه کرده؛ یعنی مستی یک صبح بهاری می‌داند که انسان را از خود بی‌خود و مدهوش می‌کند و در پایان با استفاده از صنعت تشخیص شهادت او را در آغوش می‌گیرد و به کمال می‌رساند که از این طریق انسان عاشق باید پا در رکاب آن بگذارد و به استقبال شهادت برود:

صبح بهاری

به کامم گر بریزی نوش خود را
به دستت می‌سپارم هوش خود را
تو مثل سکر یک صبح بهاری
شهادت باز کن آغوش خود را
(همان: ۷۵)

همچنین شاعر در دوبیتی «آگاهی» کوتاه‌ترین راه رسیدن به کربلای آمال را، شهادت می‌داند که انسان ناآگاه و غفلت‌زده را بیدار می‌کند و آگاهی می‌بخشد و به سرمنزل نهایی می‌رساند:

آگاهی

مرا آگاه از این راه کردی
به وصل کربلا آسان رسیدم
دلی گمراه را آگاه کردی
شهادت! راه را کوتاه کردی
(همان: ۷۵)

بهداروند در یکی از دوبیتی‌هایش شهید را پاک‌تر از «روح آب» و «سرود سرخ نای انقلاب» و «امیر لحظه‌های عشق و ایثار» توصیف می‌کند:

روح آب

به پاکی پاک‌تر از روح آبی
امیر لحظه‌های عشق و ایثار
سرود سرخ نای انقلابی
شهید سرزمین آفتابی
(بهداروند، ۱۳۶۷: ۱۰۳)

در دوبیتی «صحابه» نیز شاعر به توصیف مقام والا و ارزنده شهدا پرداخته، از شهیدان به‌عنوان «آیه‌های ناب شوق»، یاد می‌کند؛ چون شهیدان نشانه‌های پاک شور و اشتیاق و دروازه کتاب زندگی‌اند و بهترین یاران عشق و ایثار هستند و در دوبیتی «کتاب صبح» از شهیدان به‌عنوان «بهترین اصحاب شوق»، «صحاب صبح عشق»، «کتاب صبح عشق» و «آفتاب صبح عشق» تعبیر می‌کند و با کمک صنعت تشبیه تخیل زیبایی می‌آفریند.

صحابه

شهیدان آیه‌های ناب شوقند
به گرد منبر پیغمبر عشق
کتاب زندگی را باب شوقند
شهیدان بهترین اصحاب شوقند
(محمودی، ۱۳۶۴: ۸۴)

کتاب صبح

در این گلشن سحاب صبح عشقند
غروبی در طلوع سرخشان نیست
سرآغاز کتاب صبح عشقند
شهیدان آفتاب صبح عشقند
(همان: ۸۵)

در دوبیتی «سفر» شاعر معتقد است برای درک شهید باید وجود خود را چون گل پاک کرد تا به عظمت او پی برد. از این رو این گونه از صنعت تشبیه کمک گرفته، با استعاره زیبایی، شهید را «گل باغ محبت» می‌خواند که از داغ او باید گریبان خود را مانند گل چاک کرد:

سفر

درون را پاک باید کرد چون گل
ز داغست ای گل باغ محبت
سفر در خاک باید کرد چون گل
گریبان چاک باید کرد چون گل
(بهداروند، ۱۳۶۷: ۹۷)

دوبیتی‌های دیگری در توصیف شهید و شهادت وجود دارد که شاعران، عشق به شهادت و شهادت‌طلبی را مدنظر داشته‌اند و از تعابیر زیبایی بهره گرفته‌اند. به‌عنوان نمونه محمودی در دوبیتی زیر با استفاده از اضافه تشبیهی، تخیل زیبایی به دوبیتی بخشیده است نظیر: «بهاران شهادت»، «جویباران شهادت» و «باران شهادت»:

روان شد جویباران شهادت	رسید از ره بهاران شهادت
تنت را زیر باران شهادت	بیا یک صبح بی‌پروا رها کن
(محمودی، ۱۳۶۴: ۸۱)	

در دوبیتی «طنین» نیز به شرح صدا و طنین شهید که در کوچه دل پیچیده و مهمان دل شده است پرداخته که شنیدن خبر شهادت هوش را از سر می‌رباید:

طنین

طنین نای تو در کوچه دل	چکید آوای تو در کوچه دل
صدای پای تو در کوچه دل!!	شهادت، بی‌خبر هوش از سرم برد
(همان: ۷۶)	

در دوبیتی «آبرو» از تلمیح زیبایی بهره گرفته و از شهادت به «آتش ابراهیم مردان» تعبیر می‌کند که به مردان عاشق آبرو و اعتبار تازه‌ای می‌بخشد:

آبرو

چراغ شوق سویی تازه دارد	نسیم عشق بویی تازه دارد
شهادت آبرویی تازه دارد	از این «در آتش ابراهیم مردان»
(همان: ۸۳)	

همچنین در دوبیتی‌های زیر نیز شاعر از گریه و مویه خود در کنار رود کارون بر شهیدان می‌گوید و از غربت و اشک باران که بر سر قبر عزیزان می‌ریزد. همچنین از شهید به‌عنوان ستاره آسمان تعبیر می‌کند که روحش بسان پرنده‌ای به آسمان پرواز می‌کند و جسمش هم خاک راه کربلا می‌شود:

کنار رود کارون، داد و بیداد	مو و داغ شهیدون، داد و بیداد
دل مو موند و بارون، داد و بیدا	شب غربت، سر قبر عزیزون
(همان: ۵۱)	

ستاره آسمون مرغ هوا شد	ستاره آسمون از مو جدا شد
که اون هم رفت و خاک کربلا شد	تموم نعلش او خاکستری بود
(همان: ۵۲)	

۴-۱-۲. یاد شهدا

سهیل محمودی در دوبیتی زیر غم و اندوهی که به یاد شهیدان دو چشمش را گریان ساخته است و از شدت گریه سرخ شده، توصیف می‌کند و از سیل اشک خون که تمام پیکرش را سرخ کرده، سخن می‌گوید و تصویر زیبایی ایجاد کرده است. او معتقد است که یاد شهدا دوبیتی‌های دفترش را سرخ کرده است. نکته قابل توجه در این دوبیتی بهره‌گیری شاعر از رنگ سرخ در ترکیب‌سازی است که ردیف زیبایی خلق کرده است. به‌طور کلی در ادبیات انقلاب اسلامی رنگ سرخ جلوه‌ای از مظلومیت شهید و شهادت و ایثار است:

مرا از غم دو چشم تر همه سرخ
دلم خون است و با یاد شهیدان

ز سیل اشک خون پیکر همه سرخ
دوبیتی‌های این دفتر همه سرخ
(محمودی، ۱۳۶۴: ۶۵)

محمودی در دوبیتی دیگری با عنوان «بهشت زهرا» با استفاده از آرایه تلمیح، از شهید نینوا یاد کرده و در بیت دوم شهدا را با تعبیری چون لاله‌های پرپر عشق توصیف می‌کند که سکوت آن‌ها در دل او غوغا به پا کرده است:

بهشت زهرا

رئای عاشقان را نی نوا کرد
سکوت لاله‌های پرپر عشق

دلم یاد از شهید نینوا کرد
در آفاق دلم غوغا به پا کرد
(محمودی، ۱۳۶۴: ۸۰)

در دوبیتی زیر نیز بستر تصویرسازی رنگ است که شاعر جهت توصیف حالات درونی که امری تجریدی و انتزاعی است از واژه «خون» و «گل خون» بهره گرفته است و با عبارتی استعاری از شهید «سروش شعله بر جان» تعبیر شده که دل یادش کرده است:

سروش شعله

دلم خون شد ز داغت ای برادر
همیشه ای سروش شعله بر جان!

گل خون، داده باغت ای برادر
دلم گیرد سراغت ای برادر
(بهداروند، ۱۳۶۷: ۱۰۷)

۳-۱-۴. فراموشی شهدا یا غفلت از شهادت

در این دوبیتی‌ها شاعران از آه و افسوس فراموشی و غفلت از شهدا یا حسرت خوردن از اینکه خود افتخار شهادت را نیافته‌اند، سخن می‌گویند همچنین از کسانی که به فکر امور دنیوی هستند و شهیدان را فراموش کرده‌اند، انتقاد می‌کنند. سهیل محمودی در دوبیتی زیر شهادت را ساحل امن و آرام می‌داند و از این طریق می‌توان به امید و آرزوی خود رسید. در پایان هم آه و افسوس خود را به خاطر غفلت از شهادت و نوشیدن شربت شهادت بیان می‌کند:

حدود اقیانوس غم را ساحل از تو
شهادت ای شهادت آه، افسوس

امید و آرزو را حاصل از تو
که من یک عمر بودم غافل از تو
(محمودی، ۱۳۶۴: ۷۷)

۴-۱-۴. آرزوی شهادت یا رسیدن به شهدا

در این دوبیتی‌ها نیز به طرق مختلف شاعران آرزوی شهادت کرده‌اند یا دیگران را تشویق به شهادت و پیوستن به شهدا می‌کنند و در بسیاری از موارد این را از مقدس‌ترین آرزوها می‌دانند.

علیرضا قزوه در دوبیتی زیر با کمک اضافه تشبیهی «گل اشک» تصویری را خلق کرده است و با آوردن ردیف «ای کاش» آرزو می‌کند که پایان اشک‌های شبانه و غم و اندوه او به شهادت منتهی شود:

آرزو

گل اشکم شبی وای می‌شد ای کاش
به هر کس قسمتی دادی خدا یا!

همه دردم مداوا می‌شد ای کاش
شهادت قسمت ما می‌شد ای کاش
(قزوه، ۱۳۶۹: ۴۸)

سهیل محمودی در دوبیتی زیر با تصویری استعاری از شهادت «پیراهنی از خون» و «یکتا پیراهن» تعبیر می‌کند و شهادت را به رخس رهواری تشبیه کرده است که می‌تواند آرزوی او را که همانا رسیدن به شهادت و وطن اصلی است، برآورده کند:

دل‌م پیراهنی از خون به تن کرد
مرا حیران یکتا پیرهن کرد
بیا ای رخس رهوار شهادت
«غریب خاطر م عزم وطن کرد»
(محمودی، ۱۳۶۴: ۷۶)

وی در دوبیتی دیگر خود با عنوان «یاری» از دوستان خود می‌خواهد که از مرگ در راه خدا خرسند باشند و برای شهادت کمر ببندند و اعلام آمادگی کنند چون شهیدان را یاران واقعی امام خمینی (ره) می‌داند بنابراین، دوستان خود را ترغیب می‌کند به این شهیدان پیوندند:

یاری

اگر از مرگ خرسندید یاران
شهیدانند یاران خمینی
شهادت را کمر بندید یاران
به این یاران پیوندید یاران
(محمودی، ۱۳۶۴: ۸۲)

وی همچنین در دوبیتی «شعر شهادت»، شهادت را آرزوی خود می‌داند و از اینکه به شهادت نرسیده حسرت می‌خورد و ای کاش‌ها می‌گوید و در پایان شعر شهادت را زیباترین شعری که خوانده، می‌داند:

شعر شهادت

به لب حرفی به جز حسرت نراندم
شهادت ای شهادت ای شهادت
در این «ای کاش‌ها» از راه ماندم
تویی زیباترین شعری که خواندم
(محمودی، ۱۳۶۴: ۷۷)

۲-۴. توصیف جبهه و رزمندگان

توصیف جبهه و رزمندگان نیز یکی از بسترهای تعبیر و تصویر بدیع در شعر انقلاب اسلامی است. شاعران در این دوبیتی‌ها به توصیف جبهه و میدان جنگ دوران دفاع مقدس پرداخته‌اند و تصاویری از دلاوری‌ها و حماسه‌آفرینی‌های رزمندگان ایجاد کرده‌اند:

سهیل محمودی در دوبیتی‌های زیر با بهره‌گیری از تشبیه، رزمندگان را از نظر پاکی و اصالت چون جویباری می‌داند که سیراب کنندگان کویر وجودند و به هنگام رازونیا شبانه چون صبحی پاک و با صفا، پیام‌آوران صبح و سپیده‌پیروزی هستند که این دروازه‌پاکی و طهارت را بر روی خفتگان می‌گشایند:

صفا

کویر خاطر م را چشمه سازی
به هنگام عبادت در دل شب
به پاکی چون زلال جویباری
صفای صبح را در سینه داری
(بهداروند، ۱۳۹۰: ۲۰۶)

آوازه

پیامت چون نسیم تازه صبح
تو با دستان پر مه‌رت گشایی
به هر سو می‌برد آوازه صبح
به روی خفتگان دروازه صبح
(همان)

۳-۴. توصیف آزادگان

شاعران انقلاب اسلامی در توصیف آزادگان و اسیران هشت سال دفاع مقدس نیز تعابیر و تصاویر زیبایی آفریده‌اند در این دوبیتی‌ها شاعران غم و اندوه خود را در فراق و جدایی از اسرا بیان می‌کنند و گریه‌های فراوان خود را به‌خاطر اسارت آن‌ها توصیف می‌کنند یا از صبر و شکیبایی و یا چشم‌انتظاری سخن می‌گویند و گاه هم آرزوی آزادی آن‌ها را از خدا می‌خواهند.

علیرضا قزوه اسیران زندان بغداد را که مایه غم و اندوه او شده‌اند، توصیف می‌کند و گله و شکایت خود را از روزگار بیان می‌کند و اینکه اسارت رزمندگان آن‌قدر طولانی شده که حتی اگر روزی آزاد شوند؛ نشانی منزل خود را از یاد برده‌اند:

زندان

دل‌م زندونی زندان بغداد
فلک! گیرم دل‌م رو کردی آزاد
«فلک داد و فلک داد و فلک داد»
نشون منزلش رو برده از یاد
(قزوه، ۱۳۷۳: ۵۰)

اسیر

ستاره آسمونم بی‌نظیره
سه پنج ساله گل روشو ندیده
بلند بالا یه اما سر بزیره
ستاره آسمون من، اسیر
(قزوه، ۱۳۷۳: ۵۲)

در دوبیتی «اسیر» قزوه با تعبیری استعاری، از اسیر با عنوان «ستاره آسمون» یاد می‌کند که چند سالی او را ندیده است و در دوبیتی زیر نیز غم و اندوه خود را از اسارت رزمندگان به دست بعثی‌های نامسلمان بیان می‌دارد و در پایان آرزو می‌کند که رزمنده، مانند آل یاسین گرفتار و اسیر نامسلمانان بعثی نشود:

بشم کورشم که حیرونت نیبم
بشم کورشم که مثل آل یاسین
پریشونت، پریشونت نیبم
اسیر نامسلمونت نیبم
(قزوه، ۱۳۷۳: ۵۰)

وی در دوبیتی دیگری نیز آرزو دارد، روز آزادی اسیر را ببیند:

گل شمشاد من! شادیتو بیبم
نسیمی می‌وزه از کوی غربت
دل‌م می‌خواود دامادیتو بیبم
الهی روز آزادیتو بیبم
(همان: ۱۳۹)

۴-۴. مضامین دینی و مذهبی

توجه به زندگی ائمه به‌ویژه شهادت امام حسین (ع) و یاران ایشان و عشق به اهل بیت موجب تمایل بسیاری از شعرا به طبع آزمایی در این باب در طول تاریخ شده است.

در دوره صفویه با رسمی شدن مذهب شیعه، مرثیه‌سرایی در ادبیات ایران وارد مرحله جدیدی شد. مرثیه‌سرایان در قالب‌های مختلف اشعار خود را می‌سرودند. عشق علاقه ایرانیان به اهل بیت موجب تداوم این سبک شعر شده است.

شاعران دوره انقلاب اسلامی قالب دوبیتی را چون با سوز و گداز همراه است و به تعبیر علیرضا قزوه «بانگ محزون» دارد، قالب بسیار مناسبی در رثای ائمه و بزرگان دین دانسته‌اند و در این قالب طبع آزمایی کرده‌اند. اگرچه دوبیتی یک قالب سنتی است، اما محتوای بسیاری از دوبیتی‌ها و سوگ سروده‌های دینی انقلاب اسلامی با گذشته تفاوت زیادی دارد. استفاده

از واژه‌ها، تعابیر، اصطلاحات و تصاویر ادبی از قبیل تشبیه، استعاره، نماد و... از وجوه تمایز این اشعار با اشعار پیشین است.

۴-۴-۱. در مناقب حضرت علی (ع)

یکی از پربسامدترین شعرهای آیینی و شیعی توصیف زندگی، دلاوری و شهادت حضرت علی (ع) است. بسیاری از شاعران از شب ضربت و شهادت حضرت علی (ع) تصاویر زیبایی آفریده‌اند.

علیرضا قزوه نیز در دوبیتی زیر شب ضربت خوردن حضرت علی (ع) را توصیف می‌کند و در بیت دوم با استفاده از آرایه تشخیص و جان‌بخشی به سحر و شمشیر، تصویر زیبایی از شهادت ایشان را می‌آفریند:

بی‌مروت

شب تاریک و نخلستان و غربت	دو کیسه نون و یک کاسه محبت
سحر، مهراب با شمشیر می‌گفت:	چه کردی با علی (ع) ای بی‌مروت؟
	(قزوه، ۱۳۷۳: ۴۸)

۴-۴-۲. در مناقب امام حسین (ع) و حماسه عاشورا

حماسه عاشورا زلال‌ترین و شورانگیزترین حماسه تاریخ اسلام است که در ادبیات عصر انقلاب اسلامی نه تنها جان مایه سروده‌های آتشین، طوفان‌برانگیز و ظلمت‌ستیز است، بلکه در سیر و سلوک و عشق واقعی نیز مضمون بسیاری از سروده‌های عارفانه است. شاعران انقلاب اسلامی در دوبیتی‌های عاشورایی از شهادت امام حسین (ع) سخن گفته‌اند و شیوه شهادت او را به تصویر کشیده‌اند.

بهداروند در دوبیتی «دشت بلا» دروغ و افسوس خود را از شهادت امام حسین (ع) بیان می‌کند و با بیان استعاری امام حسین (ع) را خورشیدی می‌داند که در آن دشت بلاخیز برهنه تن بر روی زمین افتاده است:

دشت بلا

نقاب از چهره تا بگشود خورشید	سرش را بر فلک می‌سود خورشید
در آن دشت بلاخیز ای دریغا	برهنه تن فتاده بود خورشید
	(بهداروند، ۱۳۶۷: ۱۰۳)

وی در دوبیتی «فغان» به ظهر عاشورا و گرمای شدید زمین اشاره می‌کند و زمان را در سوگ امام حسین (ع) جان به لب رسیده، تعبیر می‌کند و در ادامه فغان و ناله اهل حرم را که با مشاهده اسب امام حسین (ع) که بدون سوار برگشته، توصیف می‌کند و نحوه شهادت ایشان را به تصویر می‌کشد:

فغان

زمین از هوم طف تا در تب آمد	زمان گفتمی که جانش بر لب آمد
فغان ز اهل حرم برخاست آدم	که بی‌راکب ز میدان مرکب آمد
	(بهداروند، ۱۳۶۷: ۹۸)

همچنین بهداروند در دوبیتی دیگر با عنوان «گریه» در تکریم و تجلیل از مقام امام حسین (ع) او را مایه افتخار حضرت آدم می‌داند و غم و اندوه خود را در سوگ ایشان ابراز می‌دارد. همچنین در بیت دوم نیز با تلمیح به ماجرای قرآن خوانی امام حسین (ع) هنگامی که سر بریده او را بر نیزه گذاشته بودند، گریه و زاری زمین و آسمان را در سوگ امام حسین (ع) بیان می‌کند:

گریه

دل‌م زان درد و ماتم گریه می‌کرد
سرش بر نیزه قرآن‌خوان لبانش
ز داغ فخر آدم گریه می‌کرد
زمین با آسمان هم گریه می‌کرد
(بهداروند، ۱۳۶۷: ۹۸)

در دوبیتی «خورشید» نیز شاعر تصویر زیبایی را خلق کرده است و امام حسین (ع) با بیانی استعاری به خورشید تعبیر شده و در ادامه با حسن تعلیل دلنشین، برهنه سر بودن ماه را، ناشی از دیدن سر مبارک امام حسین (ع) بر بالای نیزه می‌داند:

خورشید

چو نیلی جامه را بدرید خورشید
برهنه سر بر آمد مه ز کهسار
بیام آسمان خندید خورشید
چو به بالای نیزه دید خورشید
(همان: ۱۰۳)

سهیل محمودی نیز در دوبیتی زیر با بیانی ساده و صمیمی به ذکر وقایع عاشورا و آمادگی امام حسین (ع) برای رفتن به میدان جنگ سخن می‌گوید که هنگام وداع امام حسین (ع) با سر و جان و اهل حرم، ملائک اظهار پریشانی می‌کنند:

وداعی با سر و جان کرده اینک
هل اهل هرم بیرون بیاید
ملائک را پریشان کرده اینک
حسین آهنگ میدان کرده اینک
(محمودی، ۱۳۶۴: ۶۸)

همچنین علیرضا قزوه و سهیل محمودی در توصیف شام غریبان و مصایب خاندان پیامبر می‌گویند:

دل‌م خونه، دل‌م خونه، ایها الناس!
همه روشن کنین شمع عزا رو
پریشونم، پریشونم، ایها الناس!
در این شام غریبون، ایها الناس!
(قزوه، ۱۳۷۳: ۴۸)

محمودی در دوبیتی زیر روز عاشورا و گرفتاری حضرت زینب (س) و کودکان را توصیف کرده است:

چه آوردند آب و آتش
ز اشک کودکان و داغ زینب
به روز خیمه و لب آب و آتش
به هم پیوسته امشب آب و آتش
(محمودی، ۱۳۶۴: ۶۷)

سهیل محمودی در دوبیتی دیگری با بیان استعاری امام حسین (ع) و ابوالفضل (ع) را خورشید و ماه تعبیر کرده است و لحظه حضور امام حسین (ع) هنگام شهادت برادرش، ابوالفضل را توصیف می‌کند:

ماه و خورشید

دو چشم شرمگین شد ماه و خورشید
حسین آمد به بالین برادر
حضوری آتشین شد ماه و خورشید
به یکدیگر قرین شد ماه و خورشید
(محمودی، ۱۳۶۴: ۶۸)

سهیل محمودی در دوبیتی زیر شهادت علی‌اکبر را توصیف کرده است و شگفتی خود را از «نوای آب، آب» علی‌اکبر هنگام شهادت و وداع با مادر را بیان کرده که چرا از غم و اندوه تشنگی علی‌اکبر، جان آسمان‌ها آتش نگرفته است.

نوای آب

شگفتا با حضور مادر تو
نزد آتش به جان آسمان‌ها
به هنگام وداع آخر تو
نوای آب، آب از حنجر تو
(محمودی، ۱۳۶۴: ۶۷)

۴-۵. درباره شخصیت‌های دینی - سیاسی

بخشی از واژگان و مضامین دوییتی‌های انقلاب اسلامی درباره شخصیت‌های برجسته مذهبی و سیاسی است که تقریباً بسامد قابل اعتنایی دارد که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۴-۵-۱. شهید بهشتی

یکی از موضوعات اساسی در دوییتی‌های انقلاب اسلامی، شهادت یاران امام (ره) در طول سال‌های جنگ و بعد از آن است که شاعران متعهد و آرمان‌گرای مذهبی به سرودن شعر در این زمینه پرداخته‌اند. از جمله، ثابت (سهیل) محمودی در دوییتی‌های زیر در رثای شهید بهشتی می‌گوید: روحش عاشقانه پرواز کرد و از جسم خاکی گذشت. شهد شیرین شهادت را نوشید و جان خود را در راه خدمت به مردم و دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی از دست داد و آرام گرفت:

گذشت

ز تن بگذشتی و جانی گرفتی	زدی دستی و دامانی گرفتی
سری دادی و سامانی گرفتی	شبی بی‌دست‌وپا در خون تپیدی
(محمودی، ۱۳۶۴: ۷۱)	

در دوییتی زیر نیز شهید بهشتی با تصویری زیبا سوار بر اسب سرخوشی، سرود عاشقی را می‌خواند و به استقبال شهادت می‌رود و در پایان با بیان استعاری «سرو سرفراز» تعبیر شده که به اسلام و انقلاب پای‌بند بوده است:

سرو سرفراز

سمند سرخوشی را راند و جان داد	سرود عاشقی را خواند و جان داد
چگونه پای برجا ماند و جان داد	همه دیدند آن سرو سرفراز
(همان: ۷۰)	

در دوییتی زیر نیز که در رثای شهید بهشتی است از شب‌زنده‌داری و خلوت‌های شبانه او با خدا گفته شده که همواره بیدار بوده و از اینکه خورشید چشمانش خفته است و به خواب ابدی رفته است، حیران مانده است:

بیداری

ستاره در شبستانت فرو خفت	شرار شب به میدانت فرو خفت
چرا خورشید چشمانت فرو خفت	هلا، ای یار، ای همواره بیدار
(همان: ۷۱)	

در دوییتی «مشام جاده» نیز با بهره‌گیری از عناصر سمبلیک نظیر «گل» و «لاله» تصویر زیبا از شهادت شهید بهشتی خلق کرده است. اینکه چگونه در این راه قدم نهاده و عطر شهادت او مشام جاده را پر کرده است:

مشام جاده

ز اشک شوق تا روی تو پر شد	ز موج لاله هر سوی تو پر شد
گل من تا قدم در ره نهادی	مشام جاده از بوی تو پر شد
	(همان: ۷۴)

اکبر بهداروند در دوییتی «فروغ پاک» نیز با تعبیری استعاری «جامه‌ای از مهر» و «شراب ساغر خورشید» به توصیف شهادت دکتر بهشتی پرداخته است. وی سرخی افق هنگام صبح را، ناشی از شهادت دکتر بهشتی می‌داند:

فروغ پاک

به تن تا جامه‌ای از مهر پوشید
به رگ‌های افق در آن شب سرد
شراب از ساغر خورشید نوشید
فروغ پاک خون صبح جوشید
(بهداروند، ۱۳۶۷: ۱۰۲)

حدیث

چو نی از داغ یاران ناله می‌کرد
طریق عاشقان کربلا را
ز دردی دیده را پر ژاله می‌کرد
چه با شور و شغف دنباله می‌کرد
(همان: ۱۰۲)

در دوبیتی «حدیث» نیز ناله و گریه شهید بهشتی به خاطر جدایی از یاران شهیدش و عاشقان حقیقی توصیف شده و وی طریق شهادت را که «طریق عاشقان» کربلا تعبیر شده، با شور و شغف دنبال می‌کرد.

۴-۵-۲. دکتر شریعتی

سهیل محمودی در دوبیتی‌های زیر به بزرگداشت یاد و خاطره دکتر شریعتی پرداخته و از او با عنوان «مرد کویری» و «ابوذر» یاد می‌کند و به خاطر اشاره به آلام و دردهای حضرت علی (ع) در نوشته‌هایش، او را آگاه از دردهای آن حضرت معرفی می‌کند و او را داغدار حادثه غدیر معرفی می‌کند که کلامی بسیار دلپذیر دارد و از دل بی‌انتهایش می‌گوید و این گونه، شخصیت علمی و مذهبی او را توصیف می‌کند:

دلیل راه

ز عمق سینه شب آه بودی
الا مرد کویری، ای ابوذر
دلیری را دلیل راه بودی
تو از درد علی آگاه بود
(محمودی، ۱۳۶۴: ۷۳)

داغ

به جانش داغ مظلوم غدیر است
از او تنها همین را می‌توان گفت
که دریای کلامش دلپذیر است
دلش بی‌انها مثل کویر است
(همان)

۴-۶. دعا و نیایش

در این دوبیتی‌ها شاعران از رازونیا خود با خدا می‌گویند و طلب و خواسته خود را از او می‌خواهند یا برای کسی دعایی می‌کنند و به این طریق تصاویری را می‌آفرینند؛ مثلاً در دوبیتی زیر ثابت (سهیل) محمودی از خدا درخواست می‌کند که دیده‌ای بینا به او بدهد و آگاهی و معرفتش را بیشتر کند و او را سرشار از هیجان و شادی گرداند و از آنجا که مثل یک کویر خشک و بی‌آب و علف است وجودش را به وسعت و سرشاری دریا کند:

خدا یا دیده‌ای بینا به من ده
کویرم، دستم از هر چیز خالیست
سری پرشور و بی‌پروا به من ده
دلی سرشار چون دریا به من ده
(محمودی، ۱۳۶۴: ۶۶)

ثابت (سهیل) محمودی در دوبیتی زیر از اینکه چشم با بصیرتی نداریم و جانمان به خاطر گناهان رسواست، حسرت می‌خورد ولی با وجود این حتی اگر در درگاه خدا پذیرفته نشویم باز هم به رحمت خدا امیدواریم و جایی جز درگاه خدا نداریم:

دریغنا چشم بینایی نداریم
اگر رد می کنی، رد کن، ولی
به تن جز جان رسوایی نداریم
ما به جز درگاه تو جایی نداریم
(محمودی، ۱۳۶۴: ۶۶)

شاعر در دوبیتی زیر نیز با بهره گیری از تصاویر استعاری شب را چون انسانی پنداشته که عطر مناجات خدا او را مست کرده است و زمین نیز از درک و دریافت آیات الهی مست و از خود بی خود شده و زبان و خرد انسان در مقابل ذات خداوند مدهوش و حیران مانده است:

مناجات

شب از عطر مناجات تو مست است
زبان گیج است از نامیدن تو
زمین از درک آیات تو مست است
خرد از تابش ذات تو مست است
(بهداروند، ۱۳۹۰: ۵۳۶)

۴-۶-۱. توصیف حالات درونی

شاعران در این دوبیتی ها به توصیف اندوهها، دلتنگیها و آلام درونی خود پرداخته اند و از روزگار و ظلم و ستم آن نالیده- اند یا از فقر و نداری سخن رانده اند.

ثابت (سهیل) محمودی می گوید: وجودش را از آه و اسف سرشته اند و حاصل زندگی فقط حسرت است و از این تکرارها جانش به ستوه آمده است:

حسرت

سرشتند از اسف آب و گل من
از این تکرارها افسرد جانم
به جز حسرت نباشد حاصل من
دل من، ای دل من، ای دل من
(محمودی، ۱۳۶۴: ۸۵)

در دوبیتی دیگری نیز از اینکه غم و اندوه همیشه مهمان اوست، می نالد؛ زیرا سینه اش را لحظه ای فارغ از غم نمی بیند. در پایان دوبیتی نیز با تصویر استعاری (تشخیص) خاطر آئینه را هم از شدت آه گفتن او مکدر می یابد:

هر آدینه

شود پر سینه هر آدینه از آه
تگویم پیش تو افسانه غم
نشد فارغ دمی این سینه از آه
مکدر می شود آئینه از آه
(همان: ۸۸)

در دوبیتی زیر نیز محمودی، با تصاویر زیبا، خودش را به خاطر غمگینی و سوز و گذار به دوبیتی تشبیه کرده است:

آفرینش

دلَم را این سو و آن سو کشیدند
ز نای جان من غم می تراود
ردای غم بر اندامم بریدند
مرا مثل دوبیتی آفریدند
(همان: ۸۹)

در این دوبیتی نیز محمودی ضمن توصیف محنتها و غمهای خود با آوردن واژه های «غم هجر» و «ره درد» و «ملامت» در یک طرف و توضیح و شرح آنها در طرف دیگر؛ یعنی «کشیدیم» و «بریدیم» و «شنیدیم» لف و نشر زیبایی ایجاد کرده است.

محنت‌ها

چه محنت‌ها که در راهت کشیدیم
سلامت سوز، غم‌هایی که دیدیم
غم هجر و ره درد و ملامت
کشیدیم و بریدیم، و شنیدیم
(همان: ۹۰)

علیرضا قزوه در دوبیتی «آرزو» از دست زمانه شکایت می‌کند که به‌خاطر آلام و دردهایی که دارد، از وجودش شعله‌های آتش زبانه کشیده‌اند و در نهایت از خدا می‌خواهد که سوز بابا طاهر را به او بدهد که در غم یاران ترانه بسازد:

آرزو

شررها می‌کشد از دل زبونه
دل‌م خونه ز دست این زمونه
خدایا سوز بابا طاهر ده
که سازم در غم یارون ترونه
(قزوه، ۱۳۶۹: ۳۱۲)

در دوبیتی‌های زیر نیز شاعران با تصاویر زیبا به توصیف حالات درونی خود پرداخته‌اند. در دوبیتی «شب‌م» شاعر ترانه‌ای به رنگ ماتم و اندوه بر لب دارد و از گریه‌های شبانه خود گفته‌است. در دوبیتی «همه آواز» نیز شاعر طرب و شادی در دل ندارد چون بدون همدم مانده است و غیر از خدا همرازی ندارد. در دوبیتی پایانی نیز با مبالغه‌ای زیبا از دل‌تنگی خود گفته و چنان هوای گریه به او دست داده که دیگر نیازی به بارش باران بر کوهستان نمی‌بیند:

شب‌م

سرودی رنگ ماتم دارم ای دوست
شب هنگام در دریای ظلمت
دلی لبریز از غم دارم ای دوست
به روی گونه شب‌م دارم ای دوست
(بهداروند، ۱۳۶۷: ۹۹)

همه آواز

طرب در نغمه ساز دل‌م نیست
غم دل را خدایا با که گویم
که دیگر کس هم آواز دل‌م نیست
کسی غیر از تو همراز دل‌م نیست
(همان: ۹۵)

سر کوه بلن، باغ ستاره
بگو «بارون به کوهستون نباره
لباس ابرها شد پاره پاره
دل‌م امشب هوای گریه دار»
(قزوه، ۱۳۷۳: ۴۷)

۴-۶-۲. مضامین عاشقانه

عشق در شعر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس حضوری چشمگیر دارد و آن‌قدر قدرتمند است که گاهی مرثیه و غم و اندوه شهدا نیز رنگ و بویی تغزلی پیدا می‌کند و در سروده‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس همیشه به عشق و عاشقان و ملحقات آن اشاره می‌شود و عشق اغلب مقدس است و معشوق آسمانی است.

بهداروند در دوبیتی زیر شرط عاشقی را از خود بی‌خود شدن می‌داند و زندگی بدون عشق در نظرش شیرین نیست:

شرط

شراب زندگی شیرین نباشد
جو من بی‌خود شو از پیمانه عشق
که بر دنیا دلی خوش‌بین نباشد
که شرط عاشق جز این نباشد
(بهداروند، ۱۳۶۷: ۱۰۵)

پس در این اوضاع نابه‌سامان جنگ و خونریزی نباید لحظه‌ای آرامش گرفت و برای پایان دادن به تمام مشکلات و ناسازی‌ها، باید عاشق شد و به فکر عشق بود:

غوغای خون

در این غوغای خون و دود ای دل
ز هر بانگ ناسازی بلند است
نباید لحظه‌ای آسود ای دل
به فکر عشق باید بود ای دل
(محمودی، ۱۳۶۴: ۸۹)

در دوبیتی «روی عاشق» نیز دواى عاشقان را درد فراق می‌داند و با کمک رنگ سرخ و زرد تصویری را خلق کرده و مفهوم انتزاعی (عشق) را برای خواننده محسوس جلوه داده است:

روی عاشق

بلا در جستجوی مرد باشد
همه دانند رنگ عشق سرخ است
دواى عاشقان خود درد باشد
ولیکن روی عاشق زرد باشد
(همان: ۹۰)

۵. نتیجه‌گیری

براساس این پژوهش مشخص گردید: دوبیتی یکی از قالب‌های اصیل ایرانی است که بسیاری از شاعران انقلاب اسلامی این قالب مردمی و پرسوز و گداز را برای بیان احساسات و عواطف خود برگزیده‌اند.

پس از بررسی بسیاری از آثار شعری انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به این نتیجه می‌رسیم که قالب دوبیتی با شروع جنگ تحمیلی جزء اولین قالب‌هایی بوده است که شاعران به وسیله آن به سرودن و زمزمه نجوای درونی خود و انعکاس صحنه‌های عشق، شور و حماسه رزمندگان و حوادث جنگ پرداخته‌اند و دوره درخشش دوبیتی‌های انقلاب اسلامی نیز همین دوران بوده است و بعد از دوران دفاع مقدس تقریباً رو به افول نهاد و دوبیتی‌های موفق کم‌تری تداوم یافت که این در کار شاعران جوان‌تر، نمود بیشتری دارد و شاعران برجسته‌ای چون قیصر امین‌پور، سلمان هراتی و علیرضا قزوه بیشترین تأثیر را در احیای دوبیتی‌های انقلاب اسلامی داشته‌اند؛ این شاعران جوان با یاد عهد انقلاب به موضوع مطرح روز، چون جنگ، شهادت و شهید، غم و ناله مادران شهید و مفقودان دفاع مقدس و چهره‌های مقدس شخصیت‌های اسلامی، مانند امام حسین (ع)، ابوالفضل (ع)، و یارانش و سایر شخصیت‌های دینی آثار ماندگاری پدید آورده‌اند.

دوبیتی‌های دوران دفاع مقدس - برخلاف نظر بعضی از محققان معاصر - از نظر کاربرد صور خیال غنی هستند و بسامد تصاویری نظیر تشبیه، استعاره، کنایه و نماد در آن‌ها فراوان است. همچنین از نظر ساختار و توجه به پایبندی کلام در مصراع چهارم و معطوف کردن بار موضوعی و محتوای تأثیرگذار در آن شباهت چشمگیری به دوبیتی‌های سنتی دارند، اما تفاوت عمده دوبیتی‌ها امروز با انواع قدیمی آن در محتوایشان است. اغلب دوبیتی‌های گذشته محتوایی فکورانه و عارفانه دارند، اما انواع امروزی آن به علت تغییرات و ظهور واقعیاتی که مردم پذیرفته‌اند، صراحت و سادگی ویژه‌ای را به همراه می‌آورند؛ یعنی حاوی اندیشه‌های واقع‌گرایانه‌اند که با زبانی ساده و به دور از راز و رمز به تصویر کشیده شده‌اند.

فهرست منابع

۱. امین پور، قیصر. (۱۳۶۸). تنفس صبح، تهران: سروش.
۲. _____ (۱۳۹۰). گزینہ اشعار، چاپ هفدهم. تهران: انتشارات مروارید.
۳. بهداروند، اکبر. (۱۳۶۷). تلواسه در عطش. تهران: انتشارات برگ.
۴. _____ (۱۳۹۰). عاشقانه‌ها، چاپ دوم. تهران: انتشارات نگاه.
۵. پناهی (سمنانی)، محمداحمد. (۱۳۷۹). دوبیتی‌های بومی سرایان ایران. تهران: انتشارات سروش.
۶. سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۰). نقد و بررسی منظوم دفاع مقدس، ج ۱ تا ۳. تهران، نشر پالیزان.
۷. شمیسا، سیروس. (۱۳۸۷). سیر رباعی، چاپ سوم. تهران: انتشارات علم.
۸. قزوه، علیرضا. (۱۳۷۳). شبلی و آتش. قم: انتشارات بهار.
۹. _____ (۱۳۶۹). از نخلستان تا خیابان، چاپ دوم. تهران: نشر همراه.
۱۰. محمودی، ثابت (سهیل). (۱۳۶۴). دریا در غدیر، تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.